

تاریخچه استفاده از چادر در دنیا و افغانستان

نخست باید ذکر کنم که سالهاست پوشیدن و یا نپوشیدن چادر و حجاب در بین جامعه افغانی مورد سوال و مناقشه قرار دارد و تاحال هیچ جواب واحد و قانع کننده ای جهت حل این سوال ارائه نشده است. بدین ملحوظ لازم دیدم تا صفحات تاریخ را ورق زده ریشه های اصلی و تاریخچه چادر پوشی را در جوامع مختلف و بالاخره در جوامع اسلامی و ساحه کلتوری سرزمین ما که فعلاً به نام افغانستان یاد میشود، بررسی نموده فشرده آن را به دسترس خوانندگان قرار دهم:

پوشیدن چادر در نخستین جوامع متمدن دنیا قدامت طولانی دارد. در قدیمی ترین مراکز تمدن دنیا مانند مصر، یونان قدیم، و ایتالیا پوشیدن چادر برای نخستین بار جهت تزیین سر و وضع زنان طبقات ممتاز جامعه به شکل یک وسیله زینتی باارزش بوجود آمد که تنها زنان اشراف و معتبر سرزمین های مذکور، توان و دسترسی استفاده از چادر را داشتند که بدان وسیله خود را از زنان طبقات پایینی و یا متوسط جامعه، متمایز می ساختند. زنان غیر اشراف یا طبقه عوام نه تنها حق پوشیدن چادر را نداشتند، بلکه هرگاه زنی از طبقه عوام و یا برده، بر حسب تصادف خود را با چادر تزیین می کرد، مورد توبیخ و لت و کوب قرار گرفته محکوم به جزا می گردید. درین جوامع، پیشینه چادرپوشی، تقریباً به چهار هزار سال قبل میرسد.

همینگونه در ممالک شرقی و از جمله، سرزمین بزرگ هند، پوشیدن چادر قدامت تاریخی تر و طولانی تر دارد.

پوشیدن چادر توسط زنان و حتی در بعضی مناطق هند توسط مردان نیز صورت می گرفت که بعضاً بگونه یک نوع عنعنه تا به امروز ادامه دارد. چنانچه داماد در مراسم عروسی تا به امروز، خودش را با پوشیدن چادر تزیین می کند.

در ایران نیز استفاده از چادر قدامت تاریخی به مراتب پیشرفته تر دارد. شواهدی در دست است که بعضی از ممالک عربی و شرق میانه، پوشیدن چادر را از ایرانیان آموخته اند.

در ممالک عربی، بالخاصه عربستان سعودی که پوشیدن چادر قدامت تاریخی قرن‌ها قبل از اسلام را داشته است. به محض اینکه مردم این سرزمین، قادر به ستر کردن بدن خود با انساج بافتگی گردیدند، بنابر ملحوظات و عوامل طبیعی و جغرافیایی، مجبور به پوشانیدن سر و قسمت های بالای پیشانی، غرض جلوگیری از حرارت زیاد افتاب و توفان های ریگی گردیدند. که نه تنها زنان بلکه مردان، کودکان و جوانان عرب نیز با استفاده از یک پارچه تکه، سر خود را محافظت می کردند، البته نه به منظور تزیین، که این رواج تا به امروز ادامه دارد و دین اسلام در این سرزمین، در پوشیدن چادر و طرز لباس مردم کدام تغییری وارد نکرد.

باید عرض نمایم که پوشیدن چادر و حجاب، یک وسیله دینداری نمیباشد و با دین کدام ارتباطی ندارد، بلکه چیزی که به دینداری ارتباط دارد، فقط دو مورد است: اول افکار درونی ما که با زبان بیان می شود و دوم اعمالی را که با دو دست انجام می دهیم که هر دو باید به نفع بشریت باشد.

در اسلام تنها ذکر شده است که مرد و زن مسلمان باید لباس مناسب و مستور بپوشند. به همین ارتباط می خواهم متذکر شوم که وقتی سیدجمال الدین افغان بعد از مسافرت در ممالک عربی عازم اروپا شد، دریشی اروپایی را برای مردان مسلمان بهترین لباس اسلامی مستور و مستحکم تشخیص داد و به این نتیجه رسید که مرد و زن مسلمان و افغان مطابق لباس اروپایی با دریشی و زن ها با جاکت دامن اروپایی در اجتماع ظاهر شوند.

بدین صورت پیراهن و تنبان پاکستانی با دامن دراز زنانه گونه و تنبان کلان که توسط باد و شمال پرپر می شود و حاوی گلابتون و خامک دوزی در روی سینه می باشد، در واقع به قیمت دوبرابر دریشی معمولی تمام میشود که در این اواخر توسط سران دولتی افغانستان در کرسی های رسمی پوشیده می شود، نه مستور است و نه مستحکم، نه مناسب است و نه اسلامی و نه لباس رسمی میتواند باشد.

پوشیدن حجاب اولین بار در ممالک اسلامی

باید متذکر شوم که حجاب در زمان خلفای راشدین وجود نداشت. در زمان امپراطوری اسلام که در واقع، توسط دشمنان اسلام اداره میشد، به بهانه انتشار اسلام، به سرزمین های مختلف از جمله بالای قسمت زیادی از اروپای جنوبی تاخت و تاز خونین صورت میگرفت، طبق معمول مال و جان و دارایی های این سرزمین ها مورد چور و چپاول اعراب مهاجم قرار داشت. علاوه از آن، زنان و نوجوانان نیز از ممالک اروپایی و آفریقایی به مرکز

امپراطوری مانند دمشق و یا بغداد آورده میشدند و چون این زنان را تفاوت رنگ و ساختمان جمجمه از زنان عرب متمایز می ساخت، لذا قدرتمندان حيله گر، از واهمه اینکه با افشا شدن چهره زنان اروپایی، اعتبار خود را در بین اقوام مسلمان عرب از دست نداده باشند، در پی چاره جویی گشتند که چگونه جنایات خود را از انظار عوام کتمان نموده بر روی آن پرده بکشند. چنانچه کلمه پرده هم به منظور پوشانیدن جنایات شان همواره بکار برده میشود. بدین منظور جهت پرده پوشی از دزدیدن ناموس غربی ها به سادگی و طبق معمول وکلنور همان جامعه، توسط سران امپراطوری «فتوا» صادر شد که در تمام ممالک اسلامی زنان صورت خود را با حجاب (پرده) بپوشانند. این فتوا و این رواج تا به امروز بصورت کورکورانه در ممالک اسلامی و کشور های شرق میانه پیروی گردیده بدون اینکه از خود و از دیگران بپرسند و از تاریخ کمک بخواهند.

تاریخچه چادر و چادری در افغانستان

در تاریخ معاصر افغانستان متأسفانه در مورد زندگی و رول زنان در اجتماع کمتر ذکر شده است. در سرزمینی که فعلا به نام افغانستان یاد میشود، قسمی که در تاریخ غبار (افغانستان در مسیر تاریخ) بگونه مختصر ذکر شده است، زنان در زمان کوشانی ها پیراهن دراز می پوشیدند، مو های خود را دو چوتی نموده در پشت سر می انداختند و یک مهره به گردن داشتند و بس. یعنی از پوشیدن چادر در آن دوران ذکری به عمل نیامده است. اما معمولاً از اسطوره ها، رسامی ها، نقاشی ها و اشعار باقیمانده چنین برداشت می شود که زنان در دوره قبل و بعد از اسلام از چادر در صورتی که توان آن را می داشتند به منظور محافظت از عوامل محیطی و بعضاً به مقصد تزئینی و مردها هم از پتو استفاده می کردند.

با آمدن اسلام کدام تغییری در طرز لباس و عنعنات این سرزمین رخ نداد. پوشیدن چادر و یا نیوشیدن آن کدام نفع و نقصی را برای منافع امپراطوری عرب در بر نداشت.

می خواهم در قسمت وضع اجتماعی زنان قبل و بعد از اسلام، در اینجا تذکر دهم و آن اینکه معمولاً از طریق بعضی رسانه ها می شنویم و یا می خوانیم که گویا زنان در طی قرنهای در سرزمین ما محکوم بوده اند و یا در خارج منزل کار کرده نمی توانستند و یا حاکمیت و استقلال اقتصادی در فامیل و اجتماع نداشته اند، که کاملاً بی اساس و خلاف روند اجتماع و تاریخ بشریت است. برعکس زنان همیشه در تمام جوامع بشری از جمله در سرزمین ما فعالانه در کارهای خارج و داخل منزل در طول تاریخ سهم به مراتب فعال تر از مردان داشته اند. (دوران مادرشاهی)

زنان نخستین طبیبان گیاهی و خانگی بوده اند. میلیون ها انسان در تمام نقاط دنیا در طی قرنهای و هزاره ها، یعنی تا قبل از طبابت مدرن، تنها توسط زنان ولادت داده می شدند و این

روش تا هنوز هم ادامه دارد. پس میتوان گفت که در حقیقت زنان نخستین جراحان بشریت بوده اند.

تمام تولیدات بافندگی و خیاطی منحصر به زنها بوده است. زنان در تولیدات مالداري و زراعتی مخصوصاً در سرزمین ما سهم باارزش داشته اند که تا امروز به همان شکل بدوی خود دوام دارد و صدها مثال دیگری وجود دارد که گنجایش ذکر آن نیست.

زن از آوان تاریخ بشریت تا به امروز در خارج منزل کار کرده است و بر علاوه کارهای منزل و پرورش اطفال، همیشه در روند تولید حصه داشته است.

کار خارج منزل تنها محصول قرن 19 و 20 نیست که کار کتابت و دفاتر رسمی باشد. تنها حالا شکل کار خارج از منزل بنابر تکامل تکنالوجی و تحولات عصر و زمان فرق کرده است. من تنها یک چشمدید خود را به ارتباط کارهای تولیدی زنان سرزمین ما می خواهم ذکر کنم و شما متوجه خواهید شد که زنان بصورت نامرئی در بسیاری از تولیدات ضروری و اقتصاد مملکت ما چه رول حیرت انگیزی داشته اند:

روزی از یک فروشگاه، لحاف چینائی «پوفکی» می خریدم. ناگهان در دماغ این سوال خطور کرد که ما لحاف را در افغانستان از کجا می خریدیم و تولید کجا بود؟ بخصوص که ما کدام فابریکه تولید لحاف هم نداشتیم.... آنأ خودم به جواب خود گفتم در تمام افغانستان آنزمان با نفوس پانزده تا بیست میلیونی که حد اقل هر نفر باید یک لحاف برای خودش میداشت، این شئی مورد نیاز(لحاف) بصورت نامرئی توسط زنان افغانستان به شکل انفرادی ساخته می شد.

اما واقعیت اینست که سیاه ترین دوره تاریخ برای زنان افغانستان، بعد از نفوذ استعمار انگلیس آغاز شد که این قدرت استعماری با حیلہ گری هایش در سرزمین ما دست به کارها و تبلیغاتی زد و اثرات فکری خودش را بجا گذاشت. مخصوصاً دیدیم که طی بیشتر از سه دهه اخیر، چه بازیهای نبود که باهمدستی متحدان دیگر خویش انجام نداد. بدین صورت، وضع اجتماعی زنان و محدودیت های تولیدی توسط آنان، در اثر فشار های سیاسی به بهانه دین و مذهب، بخصوص در دهه های اخیر به مقایسه به طول تاریخ و حتا زمان بدویت، وخیم تر گردیده است که در گذشته نظیر آن دیده نشده است.

باید بگویم که پوشیدن چادری، نه دینی است، نه عنعنوی و نه تصادفی؛ بلکه منشا عمیق سیاسی داشته و بالای زنان افغانستان تحمیل گردیده است.

از اینقرار که بعد از شکست انگلیس در جنگ اول افغان و انگلیس، با وصف باختن جنگ، انگلیس ها همیشه در بُرد سیاسی مطمئن بودند؛ زیرا با تجارب مختلف سیاسی که در مستعمرات متعدد خویش در دنیا داشتند، در سرزمین های مختلف با حيله های مختلف شرایط کلتوری، ذهنی، عنعنوی و حتی دینی را به نفع خود تغییر داده با پیروزی سیاسی، بقای خود را تضمین می کردند. از آنجمله در جنگ دوم افغان و انگلیس.

در این جنگ مرد ها در صف اول قرار داشتند و زنان و اطفال در صف دوم و سوم. زنان، زخمی ها را به جاهای امن انتقال داده و تداوی می کردند و نیز اسلحه، آب و غذا برای مردان تهیه مینمودند و اطفال با آنها همکاری می کردند.

وقتی انگلیس های زیرک و حيله گر اگر در میدان جنگ شکست هم میخوردند، در میدان سیاست همیشه برنده بودند، متوجه شدند که در این سرزمین مرد ها هم مرد هستند و زن های این سرزمین هم از نقطه نظر قوای کاری همانند مردها میباشند، تدبیر سنجیدند که چطور بتوانند اقلا جهت بقا سیاسی خود در قدم اول که خیلی آسان هم برایشان بود، نفوس این سرزمین را از طریق سیاسی به نصف تقلیل بدهند. بدینصورت سیاست فلج سازی نصف نفوس افغانستان توسط انگلیس ها طرح ریزی شد که توسط سرداران مفتخوار و ملا های اجیر بالای مردم افغانستان تحمیل گردید. انگلیس ها به ملا های اجیر خود وظیفه دادند تا با تبلیغات زهر آگین بنام دین و مذهب احساسات مردم را مسموم ساخته زنان افغانستان را در بین یک خریطه که نظیر آن در هیچ یک از سرزمین های دنیا دیده نشده است، بیاندازند تا تقلیل نفوس افغانستان به نصف تحقق یابد و این روند تا به امروز ادامه دارد، با این تفاوت که امروز این سیاست در افغانستان توسط میراث خوران انگلیس یعنی پاکستان تعقیب شده بگونه غیرمستقیم از راه تبلیغات زهر آگین مذهبی، فعالیت های جاسوسی و فرستادن ملا های دیوبندی و تروریست ها ادامه داده می شود.

چادری از ما نبود که بر ما تحمیل کرده اند

چادری برای اولین بار مدت یک و نیم قرن قبل توسط پاکستانی های هند دیزاین شد که البته برای زنان خود شان بود، اما چون استفاده از این پوشش، زنان شان را از کار های خارج منزل که قبلا ذکر کردم باز میداشت، غیر ضروری و غیر اقتصادی قلمداد شد که بعد از یک مدت کوتاه، زنها به پوشیدن آن ادامه داده نتوانستند و به کمک همین پاکستانی ها، این دیزاین و پوشش اجباری برای انگلیس ها پیشنهاد گردید که انگلیسها آن را سزاوار زنان افغانستان دانستند. بالاخره به کمک ملا های اجیر و دولت های

پوشالی همینقدر موفق شدند که چادری را تنها در دو سه شهر بزرگ معمول ساختند، اما در بسیاری از شهر های کوچک، دهات و قصبات مورد استفاده قرار گرفته نتوانست.

امیر عبدالرحمن خان که بسیاری از معاهدات را به ضرر افغانستان با انگلیس ها در بدل تضمین بقا سیاسی و قدرت دولتی خود به امضا رسانیده بود، تطبیق چادری را بالای زنان افغانستان که به اشاره انگلیس ها با زور و جبر تحمیل شده بود، تطبیق نمود. چنانچه می گویند که امیر ناعاقبت اندیش جهت تطبیق برقع، چادری و دلاق بالای زنان کشورچنان جدی بود که زنانی را که آن را عملی نمی کردند، مورد ضربات دُرّه و شلاق قرار میداد. آیا امیر عبدالرحمن یک پادشاه مسلمان متعصب بود یا یک اجیر انگلیس؟ سال ها بعد که نواسه اش امیر امان الله خان متوجه باخت سیاسی پدرکلان بی مغز خود می شود و خود هم از سیاست فلج سازی نصف نفوس افغانستان بواسطه انگلیس ها آگاهی داشت، ضدیت شدید با سیاست های محیلانه انگلیس در مورد افغانستان نشان داد. با وصف اینکه ملا های اجیر انگلیس هنوز هم قدرت کافی در بین مردم افغانستان داشتند، امان الله خان جهت جبران این اشتباه بزرگ سیاسی عجله می کند، ولی متأسفانه کارش به ناکامی می انجامد. اما سالها بعد مرد سیاسی دیگری یعنی سردار داوود خان که ضدیت علیه پاکستانی ها و حس وطن پرستی را با خود داشت، بر ضد سیاست فلج سازی نصف نفوس افغانستان بواسطه اجانب برخاست و به موفقیت های زیاد نایل شد. یکی از عوامل عمده موفقیت وی آن بود که در این دوره، ملا های تربیه شده انگلیس قسماً مرده و جهنم دایمی نصیب شان گردیده بود.

چنانچه بعد از چند دهه، سیاست فلج سازی نصف نفوس افغانستان توسط پاکستان و اینبار اولاً از طریق مجاهدین و بعداً طالبان اجیر و مزدور دوباره احیا گردید و تا به امروز ادامه دارد. بطوریکه تا به حال با وصف ادعای دیموکراسی نام نهاد دولت افغانستان، در اثر فقدان رجال سیاسی ملی و وطن پرست و عدم آگاهی فکری - سیاسی مردم، امحای کامل این سیاست خیلی بدورو ناممکن به نظر می رسد. اما به اعتقاد ما شرایط تاریخی حتماً تغییر می کند، ملت ضرور نیست منتظر کدام اجیر دیگر باشد، فقط آگاهی ملت ضرور است که بتواند ریشه های اصلی چادری تحمیلی بر زنان را در افغانستان بررسی کرده این پدیده استعماری یا سیاست فلج سازی نصف نفوس افغانستان توسط پاکستان را از طریق رسانه های مختلف و ملا های مردمی و صادق و وطن پرست برای فرد فرد افغانستان توضیح نمایند.

زنان در نواحی نامصنئون افغانستان می توانند در عوض لباس های ملی خود ما که نمونه آن لباس را در تن " ریزه گل قهرمان" و یا ده ها زن دیگر دیدیم ، استفاده نمایند. این لباس اصیل افغانی بصورت طبیعی در طی قرن‌ها به همین حالت باقی مانده است.

چادری که در ممالک عربی استفاده می شود و زنان آن کشورها، 5 متر تکه را در سر خود پیچ و تاب داده و در پشت گره می کنند. خارج از چارچوب کلتور و عنعنۀ ملی ما می باشد که متأسفانه بعضی از خانم های افغان در ممالک غربی غیرآگاهانه و جهت جلب توجه دیگران، از آن استفاده می کنند.

- من نمی دانم وزارت امور زنان چه وظیفه ای مهم تر از این دارد تا ابتکاری بخرچ دهد که اقلاً زنان افغانستان بتوانند از لباس رایج هزار سال قبل، دو باره استفاده نموده خود را از این طلسم استعماری طویل المدت که عبارت از (فلج سازی نصف نفوس افغانستان) بوده و این بار توسط پاکستان تحمیل گردیده است، رهانیده آماده کار و پیکار سرفرازانه زنده گی شوند. مبارزه با چادری، مبارزه بر ضد سیاستهای پاکستان در افغانستان نیز پنداشته میشود. (پایان)